



ناخدا جواد غلام نژاد جبری – ضربه «طوفان لحیمر» «لحیمر، لیمسر، لهیمر، لحمیر» به معنی باد سرخ و از عربستان می آید.

ضربه لحیمر وقت و زمان معینی ندارد. بعضی از ناخداها می گویند که «طوفان لحیمر» قبل از ۱۱۵۰ بان ماه می وزد و بعضی می گویند که از ۱۵۰تا آخر برج آبان ماه می وزد.

بعضی سال ها در بوشهر نمی وزد و اطراف ضربه لحیمر می زند.

معمولا موقع وزیدن ضربه «طوفسان لحیمر» یک هفته نشانه دارد که از سمت (شمال) تا سمت (مطلع،مشرق) ابر بالا می آید و صیاد ها را می ترساند واین سردرگمی نه برای صیادها بلکه هواشناسی ها هم سردرگم هستند.

به قول ناخدا رحمان غاله (طوفسان لحیمر مانند زن زانو است که مشکلات خاص خودش را دارد)

در شرایط «طوفان لحیمر» ظهرها و بعداز ظهرها کاملاً هوا ابری می شود به خصوص در منطقه ستاره (یا و عیوق) به صورت عمودی دیده می شود و بعد از چند ساعت هوا صاف می شود و این وضعیت و شرایط خاص به مدت پنج تا هفت روز ادامه دارد تا ضربه «طوفان لحیمر» شروع شود.

اگر از سمت (مغیب) باد «طوفسان لحیمر» به وزداز همان دریا رد می شود و به سمت (بر) نمی آید ولی ضربه «طوفان لحیمر» بیشتر (نحشی، دهن خوری) است و معمولاً از سمت (یا) تا (مطلع)ابرمی آید که مدت شدت ضربه «طوفان لحیمر» ۷۲ساعت همراه با دولاوب (گردباد) است. در چنین شرایطی خسارت های زیادی به بار می آورد.

وای به حال سالی که ضربه لجبذب نزند. ضربه لحیمر کوک (چاق) می شود خیلی خطرناک است. به نظر می رسد در شرایطی که ضربه «طوفان لحیمر» بین ۱۰تا ۱۵ برج زد، آن سال پشت خشک و کم بارانی است و اگر هرچه عقب تر برود که ۲۰روز به بعد ضربه«طوفان لحیمر» بشود همان سال، سال بزرگ و پر بار شسی است. در این شرایط تغییر هوا رو به خنکی می رود و صیادانسی که تور ۲۴۰قبادی استفاده می کنند از بعد از ضربه لحیمر ماهی های (قباد،شیر،خارو) حرکت می کند به سمت عمق بیشتر و جای خود را به ماهی ها (شوریده،راشگو) می دهند.

در میان صیادان زحمتکش کشورمان آبان ماه به ماه یا برج عقرب معروف است و اغلب دریانوردان و صیادان ما از این برج هراس خاصی به دل دارند.



### سینه گروه راهبردی –ایرج گلشنی – در باره

توسعه، بارها در منابع مختلف سخن گفته شده است. در این سخن ها، تاکید بر این است که توسعه باید «متوازن» باشد؛ در غیر این صورت به نتیجه نمی رسد و حتا ممکن است تبدیل به فاجعه شود. این است که توازن در توسعه در همه شرکت ها و سازمان ها در حد یک شرکت کوچک تا یک کشور بزرگ، به یک سان معنا دارد. اما باید توجه داشت که «توسعه متوازن داخلی» نیز کافی نیست و نمی تواند سرانجام معناداری پیدا کند؛ مگر این که این توسعه پا رشد و توسعه منطقه ای و حتا جهانی هماهنگ باشد. عدم هماهنگی توسعه منطقه ای نیز عواقبی مانند جنگ در پی خواهد داشت. در این نوشتار تلاش می کنیم پاره ای از این مسائل را مورد مذاقه قرار داده و نکاتی را روشن کنیم:

### توسعه متوازن داخلی

توسعه یک کشور زمانی معنا دارد که همه سیستم ها و ساب سیستم ها، هماهنگ با هم رشد و ترقی یابند. اگر یک بخش –مانند بنادر – جلو بیفتد و بخش دیگر – مانند شیلات – عقب بماند، نتیجه جز ضرر و زیان ملی نخواهد بود. این یک قاعده محکم در تئوری توسعه است. مدیریت توسعه برای همین است که بتواند «یک سیستم را هماهنگ با اجزای آن» به پیش براند و همه را با هم به سر منزل مقصود برساند.

اما در کشور ما اکنون، توسعه متوازن معنا ندارد. هر کسی به سمت خودش می کشد و توسعه مانند بزرکشی افغان ها، هر لنگش دست کسی است و چنین توسعه ای ره به جایی نخواهد برد.

### ۱=۵۵

اگر به حافظه تاریخی خود مراجعه کنیم، یادمان می آید که در دوران سردار سازندگی، تبلیغ سخت و محکمی می شد مبنی بر ۱=۵۵ در حوزه ارتباطات. بدین معنا بود که مسا از برنامه خیلی جلو افتاده ایم و در بخش ارتباطات به رشدی ۵۵ برابری رسیدیم.ایم. بی خبر از این که چنین رشد سرطانی در یک بخش، به منزله نابودی کل توسعه یک کشور است و مانع بزرگی بر سر راه توسعه متوازن کل کشور ایجاد می کند.

### اخراج هزاران مدیر

در همان زمان که دولت وقت، داد می زد که ۱=۵۵ و افتخار می کرد که در یک بخش به توسعه ۵۵ برابری رسیده است، دولت چین، هزاران

مدیر خود را برکنار کرد به جرم این که آن ها یک درصد از برنامه توسعه جلو افتاده بودند! این تناقض بزرگ آن روزها نقل محافل مدیریتی بود و سخن ها و تحلیل های زیادی در این باره شد که یک محور مشترک داشت: «توسعه باید متوازن باشد، جلو افتادن از برنامه مانند عقب ماندن از برنامه، به معنای بی برنامهگی است و از سوءمدیریت بر می خیزد».

مدیریت توسعه منطق روشنی دارد: توسعه باید متوازن، هماهنگ و یکپارچه باشد و فقط طبق یک برنامه مشترک و دقیق رخ می دهد؛ بنابراین، عقب افتادن یا جلو افتادن یک سیستم به معنای نبود برنامه است.

### توسعه اکنون

توسعه کنونی کشور ما هم همان منطق دوره سردار ساز ندگی را دارد. هر کس از هر طرف که بتواند به سمت خود می کشد. سسختن صفایی – رییس سازمان بنادر و دریانوردی – در برنامه صف اول تلویزیون موید این نکته است که گفت: ما برای برنامه ریزی و اجرای برنامه های توسعه بنادرمان، منتظر برنامه های دیگران و برنامه های بالادستی نمائدیم! همین سخن کافی است که نشان دهد بازهم همان بزرکشی معروف در برنامه های توسعه ای کشور ما وجود دارد. سازمان بنادر به دلیل این که دستش به دهنش می رسد و بودجه کافی در اختیار دارد، یکه تازی می کند و سازمان ها و ارکان دیگر دریایی باید با حسرت، تک تازی آن را به نظاره بنشینند در حالی که هر مدیر توسعه ای می داند که این سبک و سیاق، کاملاً غلط است و منجر به فاجعه دیگر خواهد شد.

### توسعه متوازن دریایی

توسعه متوازن دریایی در دو منطق اتفاق می افتد: اول آن که با تمامی ارکان دریایی هماهنگ باشد و حرکت یک پارچه رو به جلو آغاز شده و همه طبق یک برنامه معین، در جای درست قرار بگیرند و یک نواخت و هماهنگ به پیش بروند. نه کسی عقب بماند و نه کسی جلو بیفتد.

این شرط لازم است؛ اما کافی نیست. کفایت زمانی است که همین توسعه متوازن دریایی، با تمامی شقوق کشوری هماهنگ باشد و توسعه در تمام کشور در همه جای آن و به صورت برنامه مشخص پیش برود. اگر یک بخش آباد شود و یک بخش بیغوله بماند، چیزی به اسم توسعه پایدار رخ نخواهد داد. توسعه متوازن می تواند به توسعه پایدار بینجامد.

### توسعه هماهنگ منطقه ای

توسعه متوازن داخلی، منوط و مشروط است به «توسعه هماهنگ منطقه ای». این گونه نیست که یک کشور بتواند بدون توجه به محیط پیرامونی خود، به توسعه برسد و همه ارکان خود را ترقی بخشد؛ اما به همسایگان خود توجه نداشته باشد. این منطق در بیانی از دکتر طباطبایی – رئیس اتاق ایران و عراق وزارت امور خارجه – به روشنی شنیدم که گفت: نمی توانید در شمال شهر، بهترین خانه داشته باشید و در محله آباد و زیبایی زندگی کنید، اما مناطق دیگر بیغوله باشند و از سطح زندگی پایینی برخوردار باشند؛ زیرا حداقل مساله این است که آرامش و امنیت را از محله و خانه شما سلب خواهند کرد.

این تمثیل خیلی زیبا و روشن است. در باره کشورهای همسایه هم صدق می کند. نمی توان ایرانی آباد و امن داشت با وجود کشوری عقب مانده مانند افغانستان. عراق نمی تواند بسا کردیروهای ام القصر و فاو و بصره به سرانجام توسعه برسد با منطق مسدود کردن بنادر ایران و جلوگیری از فعالیت آن ها. آذربایجان نمی تواند پنجره ایران به سمت ارمنستان را ببندد و انتظار امن و آرامش داشته باشد. عربستان نمی تواند از یک سو بمب بر سر یمن بریزد و از سوی دیگر به دنبال توسعه اروپایی خود باشد.

همه این ها معنای روشن دارد: توسعه متوازن داخلی، یعنی پیشرفت همه اجزای یک کشور با هم و هماهنگ. توسعه پایدار منطقه ای هم به همین معناست. همه زنجیروار به هم وصل هستند و حتا دامنه این وصل زنجیروار به تمام جهان می رسد. فقط در یک جهان امن و آرام می توان توسعه امن و پایدار داشت. منطق ترومن هم همین را مد نظر داشت و می دانست امریکا نمی تواند به سوی اوج پرواز کند در حالی که اغلب کشورها در نظامات کهن دست و پا گیر شده اند. به بیان دیگر، عقب ماندن دیگر کشورها به معنای جلو افتادن کشورهای دیگر نیست؛ بلکه این کشورها اگر در همین فقر و عقب ماندگی بمانند، به نوعی دامن گیر کشورهای پیشرفته می شوند که اکنون این دامن گیری را در هیات مهاجران غیر قانونی، سرباز گیری گروه های تروریستی مانند داعش و... دیده و خواهیم دید.

### منطق دهکده جهانی

دهکده جهانی نیز بر همین منطق استوار است. چنان به هم نزدیک هستیم که نمی توانیم همدیگر را انکار کنیم. نمی توانیم همدیگر را نبینیم. جهان امروز از هر نظر، شبیه یک دهکده شده است و پشت بام خانه ها به هم وصل شده است.

از توسعه متوازن داخلی تا توسعه هماهنگ منطقه ای؛

«اقتصاد سرآمد» تحلیل می کند

# توسعه متوازن دریایی چگونه شکل می گیرد

عربستان همراه با جنگ یمن نمی تواند توسعه پیدا کند

### اثر پروانه ای

تئوری اثر پروانه ای نیز همین نکات را تایید و تاکید می کند. عراق نمی تواند نسبت به ایران بی توجه و بی تفاوت باشد. ایران نمی تواند نسبت به افغانستان بی نگاه باشد و... همه کشورها به هم ربط دارند و در جریان یک توسعه متوازن، هماهنگ و پایدار قرار دارند. اقدام یکی، به منزله اثر گذاشتن مستقیم بر دیگری است.

### رقابت یعنی برخورد

رقابت لازم است اما اگر قواعد بسازی را رعایت نکند، تبدیل می شود به برخورد. آذربایجان اگر پنجره ببندد، موشک دریافت خواهد کرد و جز این چاره ای نیست. جنگ های امروز آسان است. مانند گذشته نیست که یکی دو سال سرباز گیری نیاز داشته باشد و بعد لشکر راه بیفتد و ماه ها طول بکشد که به مرز کشور دیگر برسد؛ جنگ های امروز به آسان یک هدف گیری اتومات و فشار دادن دکمه یک موشک است. این است برخورد ها هر آن ممکن است تبدیل شود به جنگ. جنگ های تمام ناشدنی. یک موشک کافی است که یک آرامکو را از پای در آورد و نفس اقتصادی یک کشور را بگیرد. این است که کشورها به اسم رقابت و برای توسعه نمی توانند یکه تازی کنند. حتا امریکا به عنوان ابر قدرت سابق نیز دیگر نمی تواند. الان دلار زدایی، پاشنه آشیل توسعه امریکاست. راه نیامد، رقابت ناجوانمردانه کرد، دلار را ابزار تحریم و تهدید کرد و این شد عاقبت دلار. دلار می رود که بمیرد و با مسرک دلار، امریکا دیگر این امریکایی که می شناسیم نخواهد بود.

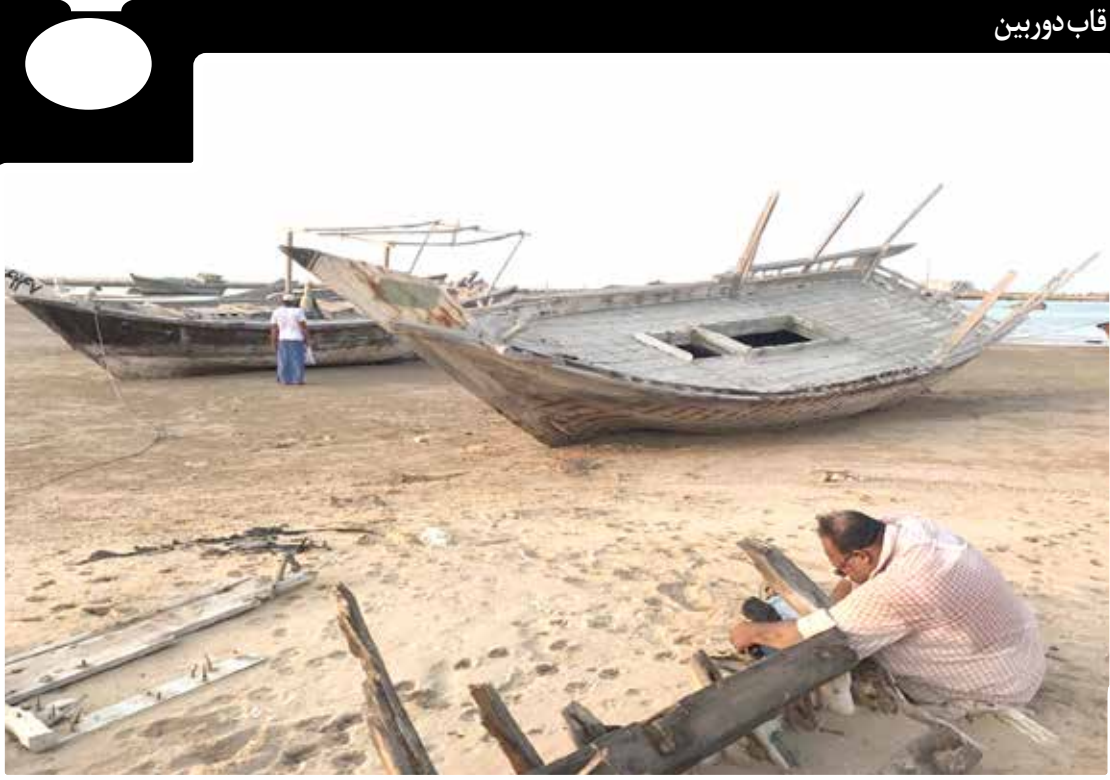
### های وهوی

خیلی ساده است. می گویند جواب های، هوی است. شما نمی توانید در کنار قیابل رخشی، چادر بزنید و روی صندلی راحتی لم دهید و صبحانه و ناهار و شام مفصل میل کنید. می توانید؟

توسعه یک کشور منوط و مشروط است به توسعه همه بخش های آن با هم.

توسعه یک منطقه منوط و مشروط است به توسعه مشترک همه کشورهای منطقه و توسعه منطقه منوط و مشروط است به توسعه همه جهان. هر کدام که نباشد، رقابت و برخورد خواهد بود که به معنای حذف امنیت و توقف توسعه است. عربستان همراه با جنگ یمن نمی تواند امن بماند و توسعه پیدا کند؛ این است که بن سلمان دارد اصلاح اشتباه می کند. توسعه هماهنگ کشورها، پژواک صدای خوشایندی است که می تواند همه ملت ها را به سوی امن و آرامش و رفاه راهنمایی کند.

### بدون شرح



عکس: اصغر بشارتی

### بدون شرح...



### فریبا عزیزی – اقتصاد سرآمد